

خشونت بدنی در مدارس دوره راهنمایی

از دیدگاه دانش آموزان شهر تهران

دکتر زهرا بازرگان

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی

چکیده

رفتارهای خشونت آمیز در مدرسه بر فرآیند آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارد و عواقب ناگواری دارد. با توجه به اهمیت مسأله، این پژوهش به منظور بررسی نوع، فراوانی، و علل خشونت بدنی در مدارس راهنمایی شهر تهران و واکنشهای اولیای مدرسه در برابر خشونت از دیدگاه دانش آموزان دختر و پسر انجام شد. در این پژوهش، شناخت رابطه یا تعامل سه راهه جنسیت، کلاس، و ابزار خشونت بدنی نیز مورد بررسی قرار گرفت. نمونه مورد مطالعه ۴۷۱ دانش آموز سالهای اول و سوم راهنمایی (۲۲۷ دختر و ۲۴۴ پسر) بودند. برای جمع آوری اطلاعات از یک پرسشنامه محقق ساخته با ۴۵ سؤال بسته پاسخ استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اعمال خشونت بدنی در مدارس از سوی دانش آموزان، معلمان و حتی در بعضی موارد از طرف کارکنان غیرآموزشی وجود دارد. اما موارد خشونت بدنی در مدارس پسرانه از سوی دانش آموزان و معلمان به مراتب بیشتر از مدارس دخترانه گزارش شد. همچنین، دانش آموزان پسر بیشتر از دختران و به صورتی معنادار ابراز خشونت بدنی را توصیه می‌کنند. درباره واکنش مدرسه در برابر اعمال خشونت بدنی معلمان نسبت به دانش آموزان، نظر اغلب دانش آموزان این است که مسئولان به هر حال حق را به معلمان می‌دهند، یا بی‌اعتنایی و بی‌توجهی می‌کنند، و یا خود دانش آموز شاکی را تنبیه می‌کنند. براساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهایی برای کاهش خشونت بدنی در مدارس مانند مداخله در سطح مدرسه، آموزش معلمان و مسئولان مدرسه، و مقابله با خشونت در سطح کلاس و در سطح فردی ارائه شده است.

مقدمه

خشونت پدیده‌ای جدید نیست. تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد افراد به دلایل گوناگون، از جمله به دلیل تضاد منافع با یکدیگر، درگیرهای خشونت‌آمیز داشته‌اند و در حال حاضر نیز شاهد انواع مختلف خشونت هستیم. آنچه برای ما، در تعلیم و تربیت، نگران‌کننده است وجود و گسترش خشونت در مدارس است. بازدید از مدارس راهنمایی و دبیرستانهای کشور نمایانگر صحنه‌هایی از خشونت دانش‌آموزان با یکدیگر است. برخی پژوهش‌های جهانی (بلومار^۱، ۲۰۰۰) هم نشان می‌دهد که اعمال خشونت حتی میان دانش‌آموزان دوره ابتدایی رایج است. در مدرسه همواره دانش‌آموزانی هستند که بنا بر دلایل متفاوت مانند قدرت طلبی، خشونت و پرخاشگری، عدم همدلی و مهارت نداشتن در درک احساس دیگران، با رفتار نامطلوب خود دانش‌آموزان ضعیفتر از نظر جسمانی یا ویژگیهای شخصیتی را تحت سلطه خود در می‌آورند و با رفتارهایی مانند تحقیر کردن، هول دادن، کتک زدن و دعوا کردن آنان را وادار به پیروی از خواسته‌های خود می‌کنند، (بازرگان، ۱۳۷۹).

در چند دهه اخیر به علت عواقب ناگواری که رفتارهای خشونت‌آمیز بر فرآیند آموزش و پرورش می‌گذارد، پژوهشهای متعدد در کشورهای گوناگون انجام شده است، (اولویوس^۲، ۱۹۷۸ و ۱۹۹۹؛ فارینگتون^۳، ۱۹۹۳؛ بیساگ^۴، ۱۹۸۹؛ اسمیت و شارپ^۵، ۱۹۹۵؛ مک‌مانوس^۶، ۱۹۹۵؛ دباربیو^۷، ۱۹۹۶).

وجود خشونت در مدارس ایران با آنکه مورد اظهار معلمان و اولیاء مدرسه است، اما تحقیقات در این زمینه نادر است. بازرگان و همکاران (۱۳۷۸) با پژوهش درباره وضعیت خشونت گفتاری نتیجه گرفتند که در مدارس راهنمایی خشونت گفتاری دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر و حتی از سوی معلمان و سایر بزرگسالان نسبت به دانش‌آموزان، فراوانی و درصد بالایی دارد. به طور کلی، پژوهشهای انجام شده در ایران بیانگر این واقعیت است که وجود خشونت در مدرسه مورد ایراد و اعتراض دانش‌آموزان و اولیای آنان و مانع تحقق اهداف آموزش و پرورش است (بازرگان و گودرزی، ۱۳۷۸؛ بازرگان، ۱۳۷۵).

پژوهشهای انجام گرفته در خارج از ایران نشان می‌دهند که در کشورهای خارجی نیز انواع خشونت وجود دارد. دافنر^۸ و همکاران (۱۹۹۶) با پژوهش در زمینه پرخاشگری در آلمان نشان می‌دهند که سه درصد از دختران و شش درصد از پسران ۴ تا ۱۸ ساله از سوی اولیای خود کاملاً پرخاشگر معرفی شده‌اند. این درصدها معرف ششصد هزار کودک و نوجوان در سطح کشور آلمان است. فانکس^۹ (۱۹۹۵) دیدگاه دانش‌آموزان درباره وجود خشونت در مدرسه را بررسی کرد. درصد بسیاری از دانش‌آموزان وجود خشونت گفتاری، خشونت بدنی، توهین به معلم، تخریب تجهیزات مدرسه، تهمت به سایر دانش‌آموزان و اعمال آسیب‌زننده را در مدرسه گزارش کردند. محقق فوق اضافه می‌کند که خشونت بدنی در مدارس بیشتر از سوی دانش‌آموزان پسر صورت می‌پذیرد. آرشر^{۱۰} و همکاران (۱۹۹۹) باورهای دانش‌آموزان دختر و پسر را

1. Blomart
4. Besag
7. Debarbieux

2. Olweus
5. Smith & Sharp
8. Dophner

3. Farrington
6. Mc Manus
9. Funks
10. Archer

درباره خشونت در مدرسه مطالعه کردند. آنها نتیجه گرفتند که دانش‌آموزان پسر، در مقایسه با دانش‌آموزان دختر، در زمینه خشونت بدنی نسبت به همجنسان خود نمرات بالاتری دارند. آونز^۱ (۱۹۹۵) تحول و جنسیت را در بروز خشونت در دوران ابتدایی و دبیرستان پژوهش کرد. او اظهار می‌کند که پسران، در مقایسه با دختران، از خود خشونت بدنی بیشتری نشان می‌دهند، در صورتی که خشونتهای دختران بیشتر غیرمستقیم است. حتی معلمان خشونت پسران را در مقایسه با دختران بیشتر گزارش کرده‌اند. کارلو^۲ و همکاران (۱۹۹۹) دلایل خشونت بدنی کمتر دختران در مقایسه با پسران را وجود احساس همدردی در دختران می‌دانند که موجب تعدیل خشونت می‌شود.

سگن^۳ و همکاران (۱۹۹۵) رابطه ویژگیهای عصب روان‌شناختی و شناختی پسران با خشونت بدنی را بررسی و بیان کردند که پسرانی که در اعمال اجرایی نقائصی دارند، خشونت بیشتری نسبت به همسالان خود نشان می‌دهند. هادلی^۴ (۱۹۹۳) بیان می‌کند که معلمان دانش‌آموزان پسر را پرخاشگرتر از دختران رتبه‌بندی می‌کنند.

نتیجه یکی از آخرین پژوهشهای بالدري^۵ (۲۰۰۳) که براساس مطالعه پیمایشی روی ۱۰۵۹ نفر از دانش‌آموزان دوره ابتدایی و متوسطه ایتالیایی انجام گرفت، نشان داد که خشونت بدنی به‌صورت باارزی در مدارس ایتالیا وجود دارد. اما فراوانی آن در مدارس پسرانه به‌صورتی معنادار بیشتر از مدارس دخترانه است. وی درگیریهای خانوادگی به‌ویژه خشونت بدنی پدر نسبت به مادر را از عوامل عمده خشونت بدنی در دختران محسوب کرد. همچنین پژوهشهای دیگر ملی و بین‌المللی وجود دارد که خشونت در مدرسه را تأیید می‌کند (اوکیف^۶، ۱۹۹۹؛ سیمون^۷ و همکاران، ۱۹۹۸؛ برنت^۸، ۱۹۹۸؛ کیم^۹ و همکاران، ۲۰۰۰؛ لافلام^{۱۰} و همکاران، ۱۹۹۸؛ دالبرگ^{۱۱}، ۱۹۹۸؛ علومی یزدی، ۱۳۸۰؛ کوهستانی، ۱۳۷۶؛ نوابی‌نژاد، ۱۳۷۲).

با توجه به مطالبی که بیان شد، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا وضعیت خشونت بدنی در مدرسه را بررسی کند. تفاوت دیدگاه‌های دختران و پسران دانش‌آموز در زمینه خشونت بدنی، انواع و فراوانی خشونت بدنی، واکنش مسئولان مدرسه در برابر خشونت بدنی، راههای ابراز خشم دانش‌آموزان در برابر خشونت و عوامل پدید آورنده خشونت بدنی در مدارس راهنمایی شهر تهران براساس نظریات دانش‌آموزان تحلیل و تفسیر می‌شود. بدون شک، قبل از هر اقدام و اتخاذ روشی برای کاهش خشونت بدنی باید از وضعیت و چگونگی آن در جامعه آگاهی لازم حاصل شود. این پژوهش علاوه بر ارائه آگاهی، با تکیه بر پژوهشها و تجارب موفق کشورهای دیگر درباره روشهای کاهش و پیشگیری از خشونت رهنمودهای مناسب برای مسئولان آموزش و پرورش و معلمان ارائه می‌کند. لازم به ذکر است که پژوهشگران حاضر برای بررسی بهتر و محدود خشونت، آن را به دو نوع خشونت گفتاری و کرداری طبقه‌بندی کردند. در پژوهش پیشین نگارنده و همکاران (بازرگان، صادقی، و لواسانی، ۱۳۷۸) خشونت

1. Owens
4. Hudly
7. Simon
10. La Flamme

2. Carlo
5. Bakdry
8. Burnett
11. Dahlberg

3. Seguin
6. O'keefe
9. Kim

گفتاری بررسی شد و این تحقیق خشونت کرداری را بررسی می‌نماید. منظور از خشونت بدنی، خشونت عینی و ملموس است که با رفتارهایی مانند کتک‌زدن، لگد زدن، با چوب زدن، سیلی زدن و مواردی از این قبیل، تعریف می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پیمایشی است، زیرا صرفاً چگونگی نظر دانش‌آموزان دختر و پسر درباره خشونت بدنی و جنبه‌های مرتبط با آن را بررسی می‌کند. جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان پایه‌های اول و سوم راهنمایی سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ در مناطق بیست‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران تشکیل می‌دهند. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و به صورت تصادفی نمونه‌ای مشتمل بر ۴۷۱ دانش‌آموز (۲۲۷ دختر و ۲۴۴ پسر) از مناطق آموزش و پرورش انتخاب شد. برای جمع‌آوری دیدگاه دانش‌آموزان از یک پرسشنامه ۴۵ ماده‌ای بسته پاسخ و محقق ساخته استفاده شد. ماده‌ها براساس مقیاس ۴ و ۶ درجه‌ای تنظیم شده‌اند. پرسشنامه شامل شش بخش درباره چگونگی خشونت بدنی در مدرسه، عوامل پدیدآورنده آن در دانش‌آموزان، عوامل پدیدآورنده آن در معلمان، واکنش مدرسه در برابر خشونت بدنی دانش‌آموزان، واکنش مدرسه در مقابل خشونت بدنی معلمان، و راههای ابراز خشم دانش‌آموزان در برابر خشونت بدنی سایرین است. به منظور بررسی اعتبار مقیاس از آزمون ناپارامتری کالموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. تمام مواد در بالاترین سطح ($P < 0/001$) معنادار بودند. بنابراین می‌توان به ترتیب فراوانی پاسخهای انتخاب شده، اعتماد و اظهار کرد که مقادیر موجود در نمونه از جامعه‌ای با توزیع نظری مشخص آمده‌اند.

پس از تنظیم سؤلهای پرسشنامه براساس پیشینه پژوهش، نخست پرسشنامه به صورت مقدماتی در مورد عده‌ای از دانش‌آموزان (۴۵ نفر) اجرا شد و براساس نظر و پاسخهای آنان تغییر و اصلاح مقتضی صورت گرفت. سپس ضمن تهیه مقیاس نهایی، آموزشهای لازم به پرسشگران داده شد.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی پاسخهای دانش‌آموزان دختر و پسر نسبت به سؤلهای مقیاس، فراوانی و درصد انتخاب گزینه هر سؤال به تفکیک مدارس دخترانه و پسرانه ارائه می‌شود. برای بررسی ارتباط انتخاب گزینه با نوع مدرسه (جنسیت دختر و پسر) از آزمون مجذورکای برای هر سؤال استفاده می‌شود (لازم به ذکر است که سؤلهای معیار در پیوست آمده است). در جدول شماره ۱، درصد گزینه سؤلهای بخش اول به تفکیک مدارس دخترانه و پسرانه به همراه آزمون مجذورکای آمده است.

جدول ۱. درصد انتخاب گزینه فراوانی خشونت بدنی در مدارس به تفکیک جنسیت

سؤالها	جنسیت	هرگز	چندبار در هفته	چند بار در ماه	چند بار در سال	مجذور کای مشاهده شده
۱	دختر	۳۹/۸	۲۹/۶	۱۴/۶	۱۵/۹	۷۵/۸ ^{xxx}
	پسر	۷/۸۵	۵۹/۸	۱۶/۸	۱۵/۶	
۲	دختر	۴۲/۳	۲۹/۵	۱۲/۸	۱۵/۴	۴۰/۵ ^{xxx}
	پسر	۱۶/۸	۴۳/۹	۲۳/۸	۱۵/۶	
۳	دختر	۴۹/۸	۲۰/۷	۱۵/۴	۱۴/۱	۱۶/۲ ^{xxx}
	پسر	۳۱/۶	۲۸/۷	۲۰/۵	۱۹/۳	
۴	دختر	۸۶/۳	۴	۴	۵/۷	۱۸۱/۶ ^{xxx}
	پسر	۲۶/۶	۴۶/۷	۱۹/۳	۷/۴	
۵	دختر	۷۵/۸	۷	۵/۷	۱۱/۵	۱۹۸/۸ ^{xxx}
	پسر	۱۵/۲	۵۴/۵	۱۹/۷	۱۰/۷	
۶	دختر	۸۷/۷	۵/۳	۴	۳/۱	۱۵۹/۳ ^{xxx}
	پسر	۳۰/۳	۳۷/۷	۱۹/۳	۱۲/۷	
۷	دختر	۸۴/۱	۶/۶	۵/۷	۳/۵	۴۶/۲ ^{xxx}
	پسر	۵۶/۶	۱۷/۲	۹	۱۷/۲	
۸	دختر	۸۴/۱	۷/۱	۵/۸	۳/۱	۳۸/۹ ^{xxx}
	پسر	۵۹/۴	۱۶/۴	۸/۶	۱۵/۶	
۹	دختر	۸۸/۱	۵/۷	۳/۱	۳/۱	۴۳/۱ ^{xxx}
	پسر	۶۲/۳	۱۷/۲	۵/۷	۱۴/۸	

xxxP < ۰/۰۰۱

سؤالهای بخش اول، میزان و فراوانی خشونت بدنی در مدارس را از سوی دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان غیرآموزشی بررسی می‌کند. نتایج حاکی از آن است که هر نه سؤال این بخش در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است. یعنی ارتباطی معنادار میان جنسیت و انتخاب گزینه نه سؤال وجود دارد. درصدها معلوم می‌دارد که خشونت بدنی از سوی دانش‌آموزان، معلمان، و کارکنان آموزش در مدارس پسرانه بیشتر از مدارس دخترانه است. درصد خشونت بدنی دانش‌آموزان نسبت به همدیگر و از طرف معلمان نسبت به دانش‌آموزان به ویژه در مدارس پسرانه بسیار بالاست (در حدود ۴۶ تا ۶۰ درصد چندبار در هفته را ذکر کرده‌اند). در جدول شماره ۲، درصد انتخاب گزینه سؤالهای بخش دوم به همراه آزمون مجذور کای گزارش می‌شود.

جدول ۲. درصد انتخاب گزینه عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی در معلمان به تفکیک جنسیت

سؤالها	جنسیت	هرگز	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجذورکای مشاهده شده
۱	دختر	۱۳/۷	۳۴/۸	۱۶/۳	۱۹/۸	۵/۷	۹/۷	۳۰/۸ ^{xxx}
	پسر	۱۰/۲	۱۸/۹	۱۲/۳	۲۶/۶	۱۵/۶	۱۶/۸	
۲	دختر	۳۷/۴	۲۲	۸/۸	۱۴/۵	۹/۳	۷/۹	۵/۵
	پسر	۳۴/۸	۱۶/۸	۱۲/۳	۱۸/۹	۷/۴	۹/۸	
۳	دختر	۳۶/۶	۲۶	۱۲/۸	۱۰/۱	۱۰/۱	۴/۴	۳۲/۱ ^{xxx}
	پسر	۱۸/۴	۱۸/۹	۲۳/۴	۱۶/۴	۱۵/۲	۷/۸	
۴	دختر	۳۰/۸	۲۱/۶	۱۱/۹	۱۵/۴	۸/۸	۱۱/۵	۱۱/۵*
	پسر	۲۳/۴	۱۵/۲	۱۱/۱	۱۹/۷	۱۲/۳	۱۸/۴	
۵	دختر	۳۰/۸	۲۴/۲	۱۲/۸	۱۵	۷/۹	۹/۳	۳۳/۸ ^{xxx}
	پسر	۱۷/۷	۱۳/۲	۱۴	۱۸/۱	۱۷/۳	۱۹/۸	
۶	دختر	۲۸/۲	۲۳/۸	۷/۵	۱۷/۶	۷/۹	۱۵	۳۱/۳ ^{xxx}
	پسر	۱۸	۱۴/۸	۱۰/۲	۱۱/۹	۱۲/۷	۳۲/۴	
۷	دختر	۲۳/۳	۱۴/۱	۸/۴	۱۵/۴	۱۲/۳	۲۶/۴	۱/۲
	پسر	۲۱/۷	۱۱۳/۹	۷/۴	۱۴/۸	۱۵/۶	۲/۶	
۸	دختر	۴۶/۷	۱۸/۹	۹/۳	۷/۵	۵/۳	۱۲/۳	۱۷/۷ ^{xx}
	پسر	۳۱/۶	۲۱/۷	۱۴/۸	۱۴/۳	۸/۲	۹/۴	

^{*}P < ۰/۰۵ ^{**}P < ۰/۰۱ ^{xxx}P < ۰/۰۰۱

سؤالهای بخش دوم عوامل پدید آورنده خشونت بدنی در معلمان را بررسی می‌کند. به استثنای سؤالهای دوم و هفتم، سایر سؤالها در سطح $P < ۰/۰۵$ الی $P < ۰/۰۰۱$ معنادارند. ارتباطی معنادار میان جنسیت و انتخاب گزینه شش سؤال وجود دارد. یعنی دیدگاه دانش‌آموزان دختر و پسر درباره عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی در معلمان متفاوت است. پسران بر ناتوانیها، خصوصیات فردی، و عدم روابط مناسب معلمان و مسئولان مدرسه، به منزله عوامل پدید آورنده خشونت بدنی معلمان، تأکید بیشتری کردند. در جدول شماره ۳، درصد انتخاب گزینه سؤالهای بخش سوم به تفکیک مدارس دخترانه و پسرانه و به-همراه آزمون مجذورکای گزارش می‌شود.

جدول ۳. درصد انتخاب گزینه عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی در دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

سؤالها	جنسیت	هرگز	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجذورکای مشاهده شده
۱	دختر	۳۳/۹	۲۶/۴	۹/۳	۱۱	۷/۹	۱۱/۵	۵۲ ^{xxx}
	پسر	۱۴/۳	۱۴/۳	۱۰/۲	۱۸/۹	۱۷/۶	۲۴/۶	
۲	دختر	۷۶/۷	۸/۸	۴	۵/۷	۲/۶	۲/۲	۴۹/۹ ^{xxx}
	پسر	۴۶/۷	۱۲/۳	۱۱/۱	۱۰/۲	۹/۸	۹/۸	
۳	دختر	۳۶/۱	۱۹/۴	۸/۸	۱۱/۵	۸/۸	۱۵/۴	۱۸/۵ ^{xx}
	پسر	۲۰/۵	۱۷/۶	۱۰/۷	۱۴/۸	۱۶/۴	۲۰/۱	
۴	دختر	۴۷/۶	۲۰/۳	۷	۷/۹	۷/۵	۹/۷	۲۱/۱ ^{xxx}
	پسر	۳۰/۷	۱۶/۸	۹/۸	۱۳/۱	۱۱/۵	۱۸	
۵	دختر	۴۵/۸	۱۴/۱	۷/۹	۱۰/۶	۷/۹	۱۳/۷	۱۴/۳ ^x
	پسر	۳۳/۶	۱۲/۷	۷	۱۱/۵	۹	۲۶/۲	
۶	دختر	۵۰/۲	۱۹/۸	۱۳/۲	۷/۵	۳/۵	۵/۷	۲۹/۹ ^{xxx}
	پسر	۳۲/۴	۱۸/۹	۱۰/۷	۱۷/۲	۱۰/۷	۱۰/۲	
۷	دختر	۲۷/۸	۲۳/۸	۸/۴	۱۱/۵	۱۴/۵	۱۴/۱	۳۷/۹ ^{xxx}
	پسر	۱۴/۸	۱۱/۱	۸/۶	۱۴/۳	۲۰/۵	۳۰/۷	
۸	دختر	۴۴/۱	۱۴/۵	۱۲/۸	۷/۵	۷	۱۴/۱	۱۹/۶ ^{xxx}
	پسر	۲۵/۸	۱۹/۳	۱۲/۷	۱۰/۲	۱۳/۱	۱۸/۹	

^xP < ۰/۰۵ ^{xx}P < ۰/۰۱ ^{xxx}P < ۰/۰۰۱

سؤالهای بخش سوم عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی در دانش‌آموزان را بررسی می‌کند. آزمون آماری معلوم می‌دارد که هر هشت سؤال مربوط در سطوح $P < ۰/۰۵$ الی $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است. ارتباطی معنادار میان جنسیت و انتخاب گزینه سؤالها وجود دارد. یعنی دیدگاه دانش‌آموزان دختر و پسر درباره عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی دانش‌آموز، متفاوت است. دانش‌آموزان پسر در زمینه عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی دانش‌آموز بر خصوصیات فردی دانش‌آموز، شرایط محیطی خارج از کلاس، و حجم زیاد کتابهای درسی تأکید بیشتری کردند. در جدول شماره ۴، درصد انتخاب گزینه سؤالهای بخش چهارم به تفکیک مدارس دخترانه و پسرانه و به همراه آزمون مجذور کای برای هر سؤال گزارش می‌شود.

جدول ۴. درصد انتخاب گزینه واکنش‌های مسئولان مدرسه در برابر خشونت بدنی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

سؤالها	جنسیت	هرگز	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجذورکای مشاهده شده
۱	دختر	۳۵/۷	۲۲	۱۱	۱۳/۷	۲/۶	۱۵	۲۲/۱ ^{xxx}
	پسر	۲۱/۳	۱۶/۴	۱۳/۹	۱۷/۲	۷/۴	۲۳/۸	
۲	دختر	۱۲/۳	۱۷/۲	۹/۳	۱۶/۷	۱۶/۳	۲۸/۲	۵/۸
	پسر	۹/۸	۱۶/۸	۱۲/۷	۱۸	۲۱/۳	۲۱/۳	
۳	دختر	۸/۸	۱۴/۱	۶/۶	۱۳/۷	۱۵/۹	۴۱	۶/۹
	پسر	۹/۸	۹/۴	۹/۸	۱۹/۳	۱۶	۳۵/۷	
۴	دختر	۱۵/۴	۱۹/۴	۱۳/۲	۱۲/۳	۱۴/۵	۲۵/۱	۲/۴
	پسر	۱۲/۳	۱۷/۶	۱۱/۹	۱۳/۵	۱۴/۳	۳۰/۳	
۵	دختر	۲۱/۶	۲۶/۹	۱۰/۶	۱۲/۳	۱۴/۱	۱۴/۵	۴۴/۱ ^{xxx}
	پسر	۶/۶	۱۴/۳	۱۳/۹	۱۷/۲	۱۸/۹	۲۹/۱	
۶	دختر	۱۶/۴	۲۰/۸	۹/۳	۱۲/۴	۱۸/۱	۲۲	۱۵/۶ ^{xx}
	پسر	۱۰/۲	۱۱/۹	-۱۳/۵	۱۸/۹	۲۳/۴	۲۲/۱	
۷	دختر	۱۷/۶	۱۴/۵	۱۱	۱۸/۵	۱۴/۱	۲۴/۲	۳/۳
	پسر	۱۹/۳	۱۶/۴	۸/۶	۱۳/۹	۱۷/۳	۲۴/۶	

^{xx}P < ۰/۰۱

^{xxx}P < ۰/۰۰۱

سؤالهای بخش چهارم نوع واکنش‌های مسئولان مدرسه در برابر خشونت بدنی دانش‌آموزان را نسبت به یکدیگر مشخص می‌کند. از هفت مورد مرتبط با این بخش چهار سؤال رابطه‌ای معنادار ($P < ۰/۰۵$) را بین جنسیت و انتخاب گزینه نشان نمی‌دهد. فقط در سه نوع واکنش رابطه‌ای معنادار در سطح $P < ۰/۰۱$ و $P < ۰/۰۰۱$ به دست آمد. یعنی پسران بیشتر از دختران معتقدند که مسئولین مدرسه در برابر خشونت بدنی یا طرف مقابل را تنبیه می‌کنند، یا هر دو طرف را بازخواست می‌کنند، و یا اصولاً اعتنا و توجه نمی‌کنند. در جدول شماره ۵، درصد انتخاب گزینه سؤالهای بخش پنجم به تفکیک مدارس دخترانه و پسرانه و به همراه آزمون مجذور کای آمده است.

جدول ۵. درصد انتخاب گزینه واکنشهای مسئولان مدرسه در برابر خشونت بدنی معلم به تفکیک جنسیت

سؤالها	جنسیت	هرگز	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجدورکای مشاهده شده
۱	دختر	۲۹/۵	۲۸/۶	۱۱	۷/۵	۵/۳	۱۸/۱	۱۹/۶ ^{***}
	پسر	۲۸/۷	۱۶	۸/۶	۱۱/۹	۱۲/۷	۲۲/۱	
۲	دختر	۲۸/۲	۲۲/۵	۱۵/۴	۱۱	۱۳/۲	۹/۷	۷/۵
	پسر	۳۸/۱	۲۲/۱	۱۴/۸	۷/۴	۸/۶	۹	
۳	دختر	۲۰/۳	۱۳/۷	۴/۸	۷/۹	۱۸/۸	۳۵/۲	۱۱/۴*
	پسر	۱۴/۳	۷/۸	۶/۱	۱۱/۱	۱۵/۲	۴۵/۵	
۴	دختر	۷۳/۶	۱۲/۳	۵/۷	۴/۸	۲/۲	۱/۳	۱۶/۱ ^{**}
	پسر	۶۶	۱۲/۷	۸/۲	۲/۵	۲	۸/۶	
۵	دختر	۶۲/۱	۱۸/۱	۷/۹	۴	۳/۵	۴/۴	۲۳/۴ ^{***}
	پسر	۴۵/۱	۲۰/۹	۵/۷	۸/۶	۷/۴	۱۳/۳	
۶	دختر	۳۱/۷	۲۰/۳	۸/۴	۱۲/۸	۹/۳	۱۷/۶	۱۸ ^{**}
	پسر	۲۲/۱	۱۶/۴	۷	۹/۴	۱۲/۳	۳۲/۸	

^{*}P < ۰/۰۵ ^{**}P < ۰/۰۱ ^{***}P < ۰/۰۰۱

سؤالهای بخش پنجم نوع واکنشهای مسئولان مدرسه در برابر خشونت بدنی معلمان نسبت به دانش‌آموزان را مشخص می‌کند. از شش سؤال مرتبط فقط یک سؤال ارتباطی معنادار ($P < ۰/۰۵$) را میان جنسیت و انتخاب گزینه نشان نمی‌دهد. سایر سؤالها در سطوح $P < ۰/۰۵$ الی $P < ۰/۰۰۱$ معنادار هستند. یعنی پسران در مقایسه با دختران بر واکنش تنبیه خود دانش‌آموز شاک، تعویض کلاس دانش‌آموز شاک، و بی‌اعتنایی و بی‌توجهی مسئولان در مقابل خشونت بدنی معلم نسبت به دانش‌آموز تأکید بیشتری داشتند. در جدول شماره ۶، درصد انتخاب گزینه سؤالهای بخش ششم به تفکیک مدارس دخترانه و پسرانه و به‌همراه آزمون مجدورکای آمده است.

جدول ۶. درصد انتخاب گزینه راههای ابراز خشم در برابر خشونت بدنی به تفکیک جنسیت

سؤالها	جنسیت	هرگز	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجدورکای مشاهده شده
۱	دختر	۲۸/۶	۲۳/۳	۱۰/۱	۹/۳	۹/۷	۱۸/۹	۱۲/۱*
	پسر	۲۳	۱۶/۴	۱۷/۶	۱۳/۹	۷/۸	۲۱/۳	
۲	دختر	۳۳/۵	۲۴/۷	۹/۳	۱۰/۱	۹/۷	۱۲/۸	۱۶/۵ ^{**}
	پسر	۲۳	۱۷/۶	۱۱/۵	۱۸/۹	۱۴/۳	۱۴/۸	

۶۹/۱ ^{***}	۳/۵	۴	۳/۱	۸/۴	۱۶/۷	۶۴/۳	دختر	۳
	۱۳/۱	۷/۴	۱۶	۱۴/۳	۱۹/۳	۲۹/۹	پسر	
۲/۲۶	۲۸/۳	۱۹	۱۵	۱۱/۹	۱۴/۲	۱۱/۵	دختر	۴
	۲۶/۲	۱۵/۶	۱۵/۲	۱۱/۹	۱۷/۶	۱۳/۵	پسر	

^{*}P < ۰/۰۵ ^{**}P < ۰/۰۱ ^{***}P < ۰/۰۰۱

سؤالهای بخش ششم راههای ابراز خشم دانش‌آموزان در برابر خشونت بدنی اطرافیان را بررسی می‌کند. سه سؤال مربوط در سطوح $P < ۰/۰۵$ الی $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است. اما سؤال چهارم ارتباطی معنادار را میان جنسیت و انتخاب گزینه نشان نمی‌دهد. ملاحظه درصدها حاکی از تأکید بیشتر پسران بر ابراز خشونت بدنی در مقابل خشونت سایرین است. در صورتی که دختران کمتر تمایل به ابراز خشونت بدنی، حتی در مقابل خشونت سایرین، دارند.

پژوهش حاضر دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر را در دو کلاس اول و سوم راهنمایی انتخاب کرد. از سوی دیگر یکی از مسائلی که این پژوهش آن را دنبال می‌کند رابطه یا تعامل سه راهه جنسیت، کلاس، و ابزار خشونت بدنی است. لازم به ذکر است که یک سؤال معیار از آزمودنیها می‌پرسد که در برابر خشونت بدنی سایرین تا چه اندازه به ابراز خشونت بدنی می‌پردازند. لذا با توجه به آنکه بررسی تعامل سه تایی این متغیرها از طریق اجرای آزمون معمولی مجذورکای میسر نیست، از مدل خطی لگاریتمی^۱ استفاده می‌شود. در این مدل می‌توان رابطه یا اثر هر سه متغیر را در تعامل با یکدیگر بررسی کرد. نتایج آزمون مدل خطی لگاریتمی در جدول شماره ۷ آمده است:

جدول ۷. آزمونهای اثرات اصلی و دو و سه راهه

مرتبۀ اثر	df	L.R. χ^2	χ^2	سطح معناداری اثر
۱	۴	۵۹۴/۰۷	۴۸۷/۹۷	۰/۰۰۰۱
۲	۵	۴۷/۵۷	۴۶/۶۵	۰/۰۰۰۱
۳	۲	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۸۷

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که اثرات اصلی سه متغیر و همین‌طور اثرات تعاملی دو راهه متغیرها در سطح ($P < ۰/۰۰۰۱$) معنادار است. اما اثرات تعاملی سه راهه این متغیرها معنادار نشده است. در ادامه در جدول شماره ۸ χ^2 تفکیک شده هر اثر دو مدل اشباع شده گزارش می‌شود.

۱ . Log – linear model

جدول ۸ χ^2 تفکیکی هر اثر مدل خطی لگاریتمی

نام اثر	df	χ^2 تفکیکی	سطح معناداری اثر
کلاس	۲	۴۱۲/۵۸	۰/۰۰۰۱
جنسیت	۱	۱/۰۴	۰/۳۰۶
ابراز خشونت	۱	۱۲۶/۴۳	۰/۰۰۰۱
کلاس × جنسیت	۲	۰/۴۰	۰/۸۱۷
کلاس × ابراز خشونت	۲	۲/۲۴	۰/۳۲۵
جنسیت × ابراز خشونت	۱	۴۳/۱۷	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که χ^2 های تفکیکی برای بررسی اثرات اصلی و تعاملی دو راهه نشان می‌دهد، اثر اصلی ابراز خشونت بدنی در سطح ($P < 0/0001$) معنادار است زیرا بیانگر آن است که به‌طور کلی، اکثر آزمودنیها در برابر خشونت بدنی دیگران هرگز مایل نیستند، یا کمتر مایلند، از خشونت بدنی استفاده کنند. همین‌طور اثرات تعاملی دو راهه کلاس و ابراز خشونت معنادار نشده است که نشان می‌دهد، رابطه‌ای میان سطح کلاس اول و سوم با ابراز خشونت بدنی وجود ندارد، اما اثر تعاملی دو راهه ابراز خشونت بدنی و جنسیت در سطح ($P < 0/0001$) معنادار است زیرا بیانگر آن است که دختران، در مقایسه با پسران، کمتر مایل به ابراز خشونت بدنی در مقابل خشونت بدنی دیگران هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یکی از اهداف پژوهش حاضر، کسب اطلاعاتی درباره وجود خشونت بدنی در مدارس راهنمایی شهر تهران بود. نتایج معلوم کرد که اعمال خشونت بدنی مانند کتک زدن، سیلی زدن و ایراد ضربه با ابزاری مانند چوب و خط‌کش از سوی دانش‌آموزان، معلمان، و حتی در مواردی کارکنان غیرآموزشی وجود دارد. فراوانی اعمال خشونت بدنی به‌صورت متوسط چندبار در هفته به‌ویژه از سوی دانش‌آموزان و معلمان گزارش شده است. اما موارد خشونت بدنی در مدارس پسرانه از سوی دانش‌آموزان نسبت به همدیگر و از سوی معلمان در مقایسه با مدارس دخترانه به‌مراتب بیشتر است. آزمون آماری مجذورکای در همه این موارد رابطه‌ای معنادار را میان جنسیت و فراوانی انتخاب گزینه نشان داد. این واقعیت در مدارس راهنمایی مؤید پژوهشهای غربی از جمله آونز (۱۹۹۵)، فانکس (۱۹۹۵)، آرشر و همکاران (۱۹۹۹) و بالدردی (۲۰۰۳) است که دیدگاهها و موارد خشونت بدنی در دانش‌آموزان دختر و پسر را مقایسه و اظهار کردند که پسران در مقایسه با دختران راهبردهای خشونت بدنی بیشتری را به‌کار می‌گیرند. پژوهش پیشین نگارنده و همکاران (بازرگان، صادقی، و لواسانی، ۱۳۷۸) درباره خشونت گفتاری در مدارس راهنمایی به همین نتیجه منجر شد. یعنی خشونت گفتاری در مدارس پسرانه فراوانی و شیوع بیشتری نسبت به مدارس دخترانه

داشت. دلایل متعددی برای چنین نتیجه‌ای وجود دارد. به نظر می‌رسد، خشونت بدنی از خصوصیات بیولوژیکی جنسیت مذکر متأثر باشد، (لورنز، ۱۹۶۳). اما، برخی دیگر از نظریه‌پردازان، مانند باندورا و والترز^۲ (۱۹۶۳)، بر اهمیت تجارب فردی و یادگیریهای اجتماعی، بیشتر از عوامل ژنتیکی و سرشتی، تأکید می‌کنند. در این صورت می‌توان گفت که شرایط محیطی و فرهنگی جامعه رفتارهای پرخاشگرانه را برای پسران در بسیاری از موارد مجاز می‌شمارد و تأیید می‌کند. در صورتی که همین رفتارها برای دختران همواره منع و سرکوب می‌شود. باندورا و وینستون^۳ (۱۹۷۳) اظهار می‌کنند که بیشتر رفتارها از طریق تقلید کسب می‌شوند. این یک نوع یادگیری مشاهده‌ای است که از خانواده، فرهنگ و الگوگیری نمادین حاصل می‌شود. از این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که پسران، بیش از دختران، با الگوهای رفتار پرخاشگرانه مواجه هستند. این قضیه در الگوگیری نمادین از طریق رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون و فیلمهای سینمایی صادق است. رسانه‌ها فرصتهای بیشماری برای پسران در زمینه دیدن دعوا، زد و خورد، کسک‌کاری، رفتارهای انتقام‌جویانه و سایر اشکال خشونت بدنی تدارک می‌بینند. داده‌ها نشان می‌دهد که اعمال خشونت از سوی معلمان و کارکنان در مدارس پسرانه بیش از مدارس دخترانه است. بدیهی است، معلمان مدارس پسرانه می‌توانند الگوئی برای بروز رفتارهای پرخاشگرانه دانش‌آموزان باشند. از دیگر دلایل احتمالی، برای تفاوت فراوانی خشونت بدنی در دختران و پسران، مطابق برخی نظریه‌ها، وجود احساس همدردی بیشتر در دختران است (کارلو و همکاران، ۱۹۹۹). در این نظریه‌ها اعتقاد بر آن است که حس همدردی در دختران موجب تعدیل و کاهش خشونت می‌شود. به هر حال شکل‌گیری عاطفه همدردی در دختران فرآیندی توأماً سرشتی و محیطی است. در شرایط کنونی برای کاهش خشونت بدنی در مدارس، به‌ویژه مدارس پسرانه، اگر برای مؤلفه سرشتی و ژنتیکی نتوان تدابیری اندیشید، اما برای مؤلفه محیطی و فرهنگی تدبیر بسیار می‌توان کرد.

درباره عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی در معلمان، مهمترین عوامل از نظر دانش‌آموزان به‌ترتیب: شلوغ بودن کلاس و فضای نامناسب آن، عدم روابط مناسب و همکاری میان معلمان و مسئولان مدرسه، و ویژگیهای فردی معلمان ذکر شد. دانش‌آموزان کمتر عواملی مانند ناتوانیهای معلمان در تدریس، عدم علاقه و انگیزه، نامربوط بودن درس با رشته تحصیلی معلمان، درآمد ناکافی، یا استفاده از خشونت به‌منزله روشی برای اداره کلاس را موجب پدید آمدن خشونت بدنی معلمان خود می‌پندارند. البته، پسران بیشتر از دخترها ویژگیهای فردی معلم و ناتوانیهای معلمان و عدم روابط مناسب و همکاری میان معلمان و مسئولان را به‌منزله عوامل ایجادکننده خشونت در معلمان عنوان کرده‌اند. عدم روابط مناسب و همکاری میان معلمان از جمله عواملی است که سگن و همکاران (۱۹۹۵) آن را در حکم یکی از شاخصهای خشونت شمرده‌اند.

درباره این سؤال که چه عواملی در ایجاد خشونت بدنی دانش‌آموزان مؤثر است، عواملی چون حجم زیاد کتابهای درسی، وجود رقابت در کلاس و مدرسه، شرایط خانوادگی و محیطی، و ویژگیهای فردی دانش‌آموزان را عنوان کرده‌اند. عواملی مانند ویژگیهای فردی و شرایط خانوادگی دانش‌آموز را پژوهشگران

دیگر مانند لوزل و بلاینسنر^۱ (۱۹۹۵)، فانکس (۱۹۹۵)، و بالدری (۲۰۰۳) به‌منزله عوامل مؤثر در آماده کردن فرد برای خشونت محسوب کرده‌اند.

درباره واکنش مدرسه در برابر اعمال خشونت بدنی معلمان نسبت به دانش‌آموزان، نظر اغلب دانش‌آموزان این است که مسئولان به هر حال حق را به معلمان می‌دهند، یا بی‌اعتنایی و بی‌توجهی می‌کنند، یا خود دانش‌آموز شاکه را تنبیه می‌کنند. تأکید دانش‌آموزان پسر در مقایسه با دختران بر عوامل مذکور بیشتر بود. چنین نتایجی موجد احساس بی‌عدالتی در دانش‌آموزان می‌شود. وجود خشونت بدنی معلمان و سکوت مسئولان در برابر آن با یافته‌های برنت (۱۹۸۸) در مدارس آفریقای جنوبی و کیم و همکاران (۲۰۰۰) در مدارس کره و چین هماهنگی دارد. این پژوهشگران نشان داده‌اند که معلمان با توجه‌های به‌ظاهر منطقی خشونت بدنی را نسبت به دانش‌آموزان اعمال می‌کنند و مدرسه بر عمل آنان مهر تأیید می‌زند. به هر حال، همان‌طور که کوهستانی (۱۳۷۲) اشاره می‌کند، اعمال خشونت بدنی از سوی معلمان به پرخاشگری، افسردگی، و حتی افت تحصیلی دانش‌آموزان منجر می‌شود. باید روزی را شاهد باشیم که در پاسخ به چنین سؤالی اکثر پاسخ‌دهندگان گزارش کنند که فرد خاطی را احضار و بازخواست می‌کنند. در حال حاضر این واکنش مؤثر مسئولان مدرسه بسی کم‌رنگ است.

پیشنهادات

با توجه به وجود خشونت بدنی در مدارس راهنمایی شهر تهران، می‌توان به‌منظور پیشگیری و کاهش آن راهی را مطرح و پیشنهاد کرد. در سطح مدرسه از دو طریق می‌توان مداخله کرد. اول ایجاد خط مشی و سیاست رفتاری در مدرسه که براساس آن قواعد انضباطی و چگونگی رفتار مناسب و مورد انتظار در مدرسه تعیین و پیگیری و تشویق می‌شود. دوم بازسازی حیطه مدرسه با مشارکت دانش‌آموزان است. مشارکت دانش‌آموزان در بازسازی مدرسه سبب از میان رفتن رابطه نادرست قوی و ضعیف یا بزرگتر و کوچکتر بودن می‌شود.

از جمله روشهای دیگر می‌توان از آموزش معلمان و مسئولان مدرسه در زمینه روشهای سازنده تربیتی، مهارتهای حل تعارض و روابط میان فردی نام برد. وجود کارگاههای آموزشی برای معلمان و مسئولان مدرسه به‌منظور تقویت مهارتهای ارتباطی و تحقق ارزشهای اخلاقی مانند تسامح و سعه صدر ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین برای مقابله با خشونت می‌توان در سطح کلاس برنامه‌ریزی کرد. وجود شورای کلاس عاملی مهم در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز است (اولیوس، ۱۹۹۹). در جلسات شورای کلاس، معلمان و دانش‌آموزان درباره مسائل کلاس، مانند مقرارت رفتاری معلم و دانش‌آموزان و زیباسازی کلاس، بحث و تبادل نظر می‌کنند. از دیگر روشهای مقابله با خشونت، روش استفاده از ادبیات، تئاتر و نمایش در کلاس درس، و مشاوره با دانش‌آموزان پرخاشگر و اولیای آنان است.

ادبیات و هنر ابزاری مؤثر برای افزایش آگاهی دانش‌آموزان از رفتارهای نامطلوب و همدردی با کسانی است که در موضع خشونت و آزارگری قرار دارند. همین‌طور دانش‌آموزان با بازی در نقش‌های متفاوت با افکار، احساس و عاطفه‌های دیگران آشنا می‌شوند و چگونگی کنترل کردن احساسات خود را به‌هنگام بروز ناراحتیها، خشم و ترس، کینه یا حسادت فرا می‌گیرند. چنانچه مدرسه فرصتهایی برای دانش‌آموزان برای انجام دادن فعالیتهایی مانند نمایش و تئاتر فراهم کند، همه دانش‌آموزان می‌توانند خود را به‌جای افراد آزار دیده و آسیب دیده قرار دهند و زندگی را از دیدگاه آنها ببینند و پاسخهای مناسب را بیابند و تمرین کنند.

پیوست

" پرسشنامه ۴۵ سؤالی خشونت بدنی در مدارس "

* بخش اول (فراوانی خشونت بدنی در مدرسه)

۱. به‌نظر شما دانش‌آموزان در مدرسه تا چه میزان کتک‌کاری می‌کنند؟
۲. به‌نظر شما دانش‌آموزان در مدرسه تا چه میزان به همدیگر سیلی می‌زنند؟
۳. به‌نظر شما دانش‌آموزان در مدرسه تا چه میزان با استفاده از ابزار کتک‌کاری می‌کنند؟
۴. به‌نظر شما معلمان تا چه میزان دانش‌آموزان را کتک می‌زنند؟
۵. به‌نظر شما معلمان در مدرسه تا چه میزان به دانش‌آموزان سیلی می‌زنند؟
۶. به‌نظر شما معلمان در مدرسه تا چه میزان دانش‌آموزان را با ابزار کتک می‌زنند؟
۷. به‌نظر شما کارکنان غیرآموزشی تا چه میزان دانش‌آموزان را کتک می‌زنند؟
۸. به‌نظر شما کارکنان غیرآموزشی تا چه میزان دانش‌آموزان را سیلی می‌زنند؟
۹. به‌نظر شما کارکنان غیرآموزشی تا چه میزان دانش‌آموزان را با استفاده از ابزار کتک می‌زنند؟

* بخش دوم (عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی دانش‌آموزان)

۱. خصوصیات فردی دانش‌آموزان، مانند عصبی بودن و سلطه‌گری، باعث خشونت بدنی دانش‌آموزان می‌شود.
۲. شرایط خانوادگی، مانند درگیری در خانواده، باعث خشونت بدنی دانش‌آموز می‌شود.
۳. شرایط فرهنگی و محیطی دانش‌آموز در خارج از کلاس درس و مدرسه باعث خشونت بدنی دانش‌آموز می‌شود.
۴. افت تحصیلی و ناتوانی دانش‌آموز در حل مسائل درسی و تحصیلی باعث خشونت بدنی دانش‌آموز می‌شود.
۵. جو کلاس درس و مدرسه، مانند روابط نامناسب دانش‌آموزان، باعث خشونت بدنی دانش‌آموزان می‌شود.
۶. فضای آموزشی نامناسب، مانند کلاسهای پرجمعیت، باعث خشونت بدنی دانش‌آموز می‌شود.
۷. حجم زیاد کتابهای درسی باعث خشونت بدنی دانش‌آموزان می‌شود.

۸. وجود رقابت در کلاس و مدرسه باعث خشونت بدنی دانش‌آموزان است.

*** بخش سوم (عوامل پدیدآورنده خشونت بدنی معلمان)**

۱. خصوصیات فردی معلمان، مانند عصبانی بودن و پرخاشگر بودن، باعث خشونت بدنی معلمان می‌شود.

۲. به‌نظر من خشونت بدنی روشی برای اداره کلاس از طرف معلم است.

۳. ناتوانیهای معلم باعث خشونت بدنی معلم می‌شود.

۴. عدم علاقه و انگیزه معلم برای تدریس موجب خشونت بدنی معلم می‌شود.

۵. درآمد ناکافی و حقوق کم معلمان باعث خشونت بدنی آنهاست.

۶. عدم روابط مناسب و همکاری لازم بین معلمان و مسئولان مدرسه باعث خشونت بدنی است.

۷. شلوغ بودن کلاسها و فضای نامناسب باعث خشونت بدنی معلم‌ها است.

۸. نامربوط بودن درس مورد نظر با رشته تحصیلی معلم باعث خشونت بدنی است.

*** بخش چهارم (واکنش مدرسه در برابر شکایت دانش‌آموز از خشونت بدنی دانش‌آموز دیگر)**

۱. اعتنا و توجه نمی‌کنند.

۲. طرف مقابل را احضار کرده و بازخواست می‌کنند.

۳. نمره انضباط طرف را کم می‌کنند.

۴. به والدین او اطلاع می‌دهند.

۵. طرف مقابل را تنبیه و سرزنش می‌کنند.

۶. هر دو طرف را بازخواست می‌کنند.

۷. اقدامات خاصی برای رفع مشکل انجام می‌دهند مانند سخنرانی در سر صف و ...

*** بخش پنجم (واکنش مدرسه در مقابل شکایت دانش‌آموز از خشونت بدنی معلم)**

۱. اعتنا و توجه نمی‌کنند.

۲. معلم را احضار کرده، با او صحبت می‌کنند.

۳. حق را در هر حال به معلم می‌دهند.

۴. معلم کلاس را عوض می‌کنند.

۵. کلاس دانش‌آموز شاکی را عوض می‌کنند.

۶. خود دانش‌آموز شاکی را تنبیه و سرزنش می‌کنند.

*** بخش ششم (ابراز خشم در برابر خشونت بدنی سایرین)**

۱. خشم خود را کتمان می‌کنم و در درون احساس آزرده‌گی می‌کنم.

۲. با خشونت گفتاری خشم خود را ابراز می‌کنم.

۳. با خشونت بدنی خشم خود را ابراز می‌کنم.

۴. خشم خود را کنترل کرده، به فرد مقابل تذکر می‌دهم.

منابع

- بازرگان، زهرا (۱۳۷۵). مدرسه‌ای دیگر. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- بازرگان، زهرا، صادقی، ناهید، و لواسانی، مسعود (۱۳۷۸). بررسی پدیده خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران. گزارش طرح پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بازرگان، زهرا، و گودرزی، محمد علی (۱۳۷۸). بررسی عوامل آسیب‌زا در مدارس شهر تهران. وزارت آموزش و پرورش. سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس.
- بازرگان، زهرا (۱۳۷۹). میانجیگری در مدرسه. انتشارات مدرسه.
- علمی‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). تنبیه بدنی در مدارس و عواقب آن. فصلنامه‌تعلیم و تربیت. ۱۷(۲)، ۶۶.
- کوهستانی، حسینعلی (۱۳۷۶). رابطه تنبیه بدنی با پرخاشگری، افسردگی، و افت تحصیلی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تبریز. ۴۰(۴)، ۱۶۵-۱۷۵-۱۵۳.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۲). خلاصه مقالات چهارمین سمپوزیوم جایگاه تربیتی و نقش تربیتی معلم. وزارت آموزش و پرورش. معاونت پرورشی.

Archer, J., & Haigh, A. (1999). Sex differences in beliefs about aggression: Opponent sex and the form of aggression. *British Journal of Social Psychology*. 38 (1), 71-84.

Bandura, A., & Winston, H. (1973). *Aggression: A social learning analysis*. Englewood cliffs. NJ: Prentice Hall.

Baldry, Anna, C. (2003). Bullying in schools and exposure to domestic violence. *Child Abuse & Neglect*. 27, 713 -732.

Bandura, A., & Walters, R. H. (1963). *Social learning analysis*. Englewood cliffs. NJ: Prentice Hall.

Besag, V. (1989). *Bullies and victims in schools*. Milton Keynes: Open University Press.

Blomart, J. (2001). Preventing violence within the primary school environment, violence in school. Debarbieux, E. and Blaya, C., ESF.

Burnett, C. (1988). School violence in an impoverished South African Community. *Child Abuse & Neglect*. 22(8), 789-795.

Carlo G., Raffaelli, M., & Meyer, K., A. (1999). Why are girls less physically aggressive than boys? Personality and parenting mediators of physical aggression. *Sex Roles: A Journal of Research*. 40 (9-10), 711- 729.

Dahlberg, L. (1998). Youth violence in the United States: Major trends, risk factors, and prevention approach. *American Journal of Preventive Medicine*. 14, 259 -272.

Debarbieux, E. (1996). La violence en milieu scolaire, 1 Etat des lieux, Paris, ESF – e'diteur.

Dophner, M., Plack, J. & Lehmkuhl, G. (1996). Aggressivitat und Dissozialitat von kindern und Jugendlichen. Hamburg, Zeitschrift Brigitte.

Farington, P. (1993). Understanding and preventing bullying. In M. Tonry & N. Morris (eds.), *Crime and Justice: An Annual Review of Research*. Vol. 1, Chicago: University of Chicago Press.

Funks, W. (1995). Nurenberger schuler studie 1994: Gewalt und schulen; Theoretische Ein Fuholung und methodische anlage der studie. pp. 1-27, edited by walterfunks, Regensburg, S. Roderer.

Hudley, C., A.(1993). Comparing teacher and peer perceptions of aggression: An ecological approach. *Journal of Educational Psychology*. 85 (2), 377-384.

Kim, D., Kim, K., Park., Y., C., Zhang, L., D., Lu, M., K., & Li, D. (2000). Children's experience of violence in China and Korea: A transcultural study. *Child Abuse & Neglect*. 24 (Q), 1163-1173.

La Flamme, L., Menckel, E., Aldenberg, E. (1998). Violence in the Swedish school environment: Extent of the problem and its manifestations work. *Journal of Educational Psychology*. 11, 143-153.

Lorenz, K. (1963). On aggression. Copyright by Dr. G. Bozotha schoelor verlag, Vienna. In Megargee, E. and Hokmansen, J., E. (1970). *The dynamics of aggression*. Harpen & Row Publisher.

Losel, Fan, Bliensener, T. (1995). Ursachen der Gewalt un Moglichkeiten der intervention. Pp. 7-25, In Gewalt und Jugend. *Texte zur Inneren sichethei*, hrsg. Von Bundesminister des Inneren, Bonn.

Mc Manus, M. (1995). *Troublesome behaviour in the classroom*. Routledge.
Olweus, D. (1978). *Aggression in the school: Bullies and whipping boys*. Washington, D.C. Hemisphere Press.

Olweus, D. (1999). *Violences entre eleves, harcelements et brutalites*, ESF.

O'keefe, M. (1999). Predictors of dating violence among high school students. *Journal of Interpersonal Violence*. 12(4), 546 – 588.

Owens, Laurence, D. (1995). *Aggression in school: Gender and developmental differences*. Paper presented at the Annual Meeting of the Australian Guidance and Counseling Association, 5th, Hobart, Tasmania, 2-7, 30-1995.

Seguin, J., R., Phil, O., & Bowerice, B. (1995). Cognitive and neuropsychological characteristics of physically aggressive boys. *Journal of Abnormal Psychology*, 104(4), 614-624.

Simons, R., L., Lin, K., H., & Gordon L., C. (1998). Socialization in the family of origin and mlyale dating violence: A Prospective study. *Journal of Marriage and the Family*. 60(2), 467 – 478.

Smilth, p., K., & Sharp, S. (1995). *School bullying*. Routledgge.